

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهرا

سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۹، پیاپی ۹۲

جستاری بر تاریخ نگاری رسمی زنان در دوره‌ی پهلوی اول

الهام ملک‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۲۱

تاریخ تصویب: ۹۲/۶/۹

چکیده

در آغاز حکومت پهلوی، یکی از شعارها، تغییر شرایط و ارتقای وضعیت زنان برای خروج از زندگی سنتی بود. در همین راستا اقداماتی انجام شد که پرسرور و صدماترین آن‌ها امریه‌ی کشف حجاب است. تحصیل دختران و بانوان از مقطع ابتدایی تا سطوح عالی، ایجاد شرایط اشتغال آن‌ها در خارج از خانه و حضور در اجتماع از دیگر اقداماتی بودند که به اشکال گوناگون از سوی رسانه‌های دولتی تشویق و تبلیغ می‌شدند. اهل قلم نیز بیکار نشستند و در انعکاس ایدئولوژی و سیاست‌های دولت و در رأس آن، شخص رضاشاه، به نگارش تاریخ اقدامات اصلاحی و تحولات اجتماعی پرداختند. آثار یادشده که تاریخ نگاری رسمی دوران پهلوی اول خوانده می‌شوند، برآیند عملکرد دولت و دیدگاه مورخان رسمی حکومت در رویارویی با مسائل زنان و توجه به حوزه‌های زنانه به شمار می‌روند؛ از این رو در این مقاله به شیوه‌ی

۱. استادیار پژوهشکده‌ی تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و عضو پیوسته‌ی انجمن ایرانی تاریخ.

توصیفی تحلیلی در پی یافتن پاسخ مناسبی برای این سؤال هستیم که زن در آثار تاریخ‌نگاری رسمی چه جایگاهی دارد؟

واژه‌های کلیدی: رضاشاه، زنان، تاریخ‌نگاری، دوره‌ی پهلوی اول.

۱. مقدمه

در تاریخ‌نگاری رسمی که نوعی تاریخ‌نگاری وابسته به حکومت به شمار می‌رود، هدف نگارندگان ذکر خوبی‌ها و دستاوردهای مثبت رژیم حاکم و تخطئه‌ی رژیم پیشین و کتمان خدمات آن‌ها است (توکلی، ۱۳۸۱: ۳۷). روی کارآمدن رضا شاه مصادف با حجم گسترده‌ای از منازعات داخلی، ناامنی و آشوب‌های سیاسی در کشور بود، لذا بیشترین آثار مورخان این دوره در مورد چگونگی رفع معضلات مذکور توسط شاه بود؛ از جمله می‌توان به انجام اصلاحاتی در حوزه‌های قانون نظام وظیفه، نوسازی ارتش، دستاوردهای مدنی غرب، تأسیس دانشگاه و مدارس جدید و مهم‌تر از همه، زنان و حضور در عرصه‌های اجتماعی و علمی کشور که با جامعه‌ی سنتی آن روزگار در تضاد بود اشاره کرد.

رسیدن به این هدف که نیاز به صرف وقت و هزینه‌های زیاد داشت، با به خدمت گرفتن جمع قابل توجهی از نویسندگان، مورخان و استادان برجسته‌ی دانشگاه‌ها در جهت ثبت و ضبط و تبیین اقدامات انجام شده میسر می‌شد که با صرف هزینه‌های کلان انجام شد. مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری رسمی این دوره عبارت‌اند از:

۱. رواج تاریخ‌نگاری برای کسب مشروعیت حکومت رضاشاه؛
۲. رواج تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی به عنوان نمودی از شاخصه‌های ایدئولوژیک دوره‌ی رضاشاه؛
۳. تأکید بر تاریخ ایران باستان که تحت تأثیر سیاست حاکم و مؤلفه‌های ایدئولوژیک حکومت پهلوی اول شکل گرفته است؛
۴. توجه به تاریخ جدید اروپا و مدرنیته؛
۵. تخطئه‌ی قاجارها و کتمان اقدامات مثبت آن‌ها؛

۶. تأثیرپذیری بالقوه‌ی تاریخ‌نگاران از تکنیک‌های تاریخ‌نگاری نوین به دلیل گسترش مطبوعات و موسسات عالی علوم؛

۷. ساده‌نگاری، روانی و صراحت سبک در نگارش (میرجعفری و عاشوری، ۱۳۸۶: ۱۲۰-۱۲۱).

۲. جایگاه زنان در تاریخ‌نگاری رسمی دوره‌ی پهلوی اول

آثاری که در ذیل بدان‌ها می‌پردازیم، با این دلایل مورد بررسی قرار گرفته‌اند که یا به عنوان آثار رسمی حاکمیت و به عبارتی دقیق‌تر به سفارش دولت در جهت بازتاب اقدامات و تغییرات جامعه‌ی ایران نوشته شده‌اند، یا عده‌ای از نویسندگان که از طبقه‌ی نخبه‌ی علمی و نزدیک به دستگاه حکومت محسوب می‌شدند، خود قلم در تألیف تاریخ رسمی این دوران به دست گرفته‌اند. دسته‌ای دیگر از آثار هم وجود دارد که به دستور جانشین رضا شاه، یعنی محمدرضا شاه برای ثبت و ضبط اقدامات حکومت پهلوی اول تدوین و تألیف شده‌اند. بخشی از آثار هم مجموعه‌های مدون گزارش‌های روزنامه‌های دوران حکومت رضاشاه هستند که به طور مستقیم به انعکاس اخبار تحولات داخلی ایران به طور عام و مسائل زنان به طور خاص مبادرت ورزیدند که از این‌گونه آثار نیز استفاده کرده‌ایم.

هدف و نکته‌ی اصلی محتوای غالب آثار مذکور را می‌توان در دو دسته‌ی کلی برشمرد که عبارت‌اند از:

الف. دسته‌ای از آثار که فقط به معرفی اقدامات زنان درباره‌ی زنان اکتفا کرده‌اند و هیچ نظری در باب زنان از سوی نویسندگان این کتب قابل جست‌وجو و تحلیل نیست.

ب. دسته‌ای که در ذکر اقدامات دولت، گاهی از خود اظهار نظری ارائه کرده‌اند و از تحسین و ستایش محض اقدامات حکومتی فراتر رفته‌اند.

با توجه به این مقدمه در بررسی و شناسایی جایگاه زنان در خلال تواریخ رسمی دوران پهلوی اول، به کتاب‌هایی به شرح زیر می‌پردازیم که گاه در آن‌ها تحولات اجتماعی آن روزگار نیز ذکر می‌شود.

۳. بنیادهای ملی در شهریاری رضا شاه کبیر

موضوع اصلی کتاب بنیادهای ملی در شهریاری رضا شاه کبیر، تحولات نظامی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران است که به نظر نویسنده تا پیش از این به دلیل بی‌کفایتی قاجارها دست نیافتنی بود. یکی از مهم‌ترین مطالب کتاب، تأکید بر ارتقای شئون بانوان پس از سلطنت رضا شاه است که به فعالیت‌های چشمگیر بانوان در عرصه‌های مختلف انجامید. این زنان معمولاً جزو خانواده‌های سطح بالا بودند که اقلیت جامعه‌ی زنان را تشکیل می‌دادند. این در شرایطی بود که بیشتر زنان ایران، به شکل سنتی در جامعه‌ی مردسالار می‌زیستند. این کتاب حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف را به شرح زیر آورده است:

الف. حضور زنان در حرفه‌های نوین پرخطر (صفائی، بی‌تا: ۲۵).

ب. آزادی اجتماعی زنان و تلاش برای کسب برابری با مردان: زنان مانند مردان حق داشتند که در مجامع عمومی نظیر رستوران، سینما، معابر و... حضور داشته باشند. تا قبل از سال ۱۳۰۴ زنان مجاز نبودند در خیابان‌ها با مردان در یک پیاده‌رو حرکت کنند یا به سینما و رستوران بروند و در واگن اسبی تهران اتاق بانوان جدا بود (همان: ۱۰۳).

ج. عدم استفاده از پوشش سنتی (چادر): در پی بازدید پادشاه افغانستان، ملکه ثریا، همسر پادشاه افغانستان، بدون چادر در خیابان‌های پایتخت حاضر شد که این اقدام در نوع خود بی‌سابقه بود. صفائی می‌نویسد: «از این پس بود که آزادی زنان ایران بیشتر به چشم می‌خورد» (همان: ۱۰۴). بدین ترتیب، رضاشاه در ۱۲ تیر ماه ۱۳۱۴ به وزیر فرهنگ دستور داد: «برای شرکت بانوان در اجتماع و کنار گذاشتن چادر و پیچه و آزادی زنان برنامه‌ای تهیه کند» (همان: ۱۰۵). به دنبال این فرمان، وزیر فرهنگ گروهی از رؤسای فرهنگ و رؤسای مدارس دخترانه را دعوت کرد و با آنان به گفت‌وگو پرداخت و تصمیمات زیر گرفته شد:

۱. برپایی مجالس سخنرانی و سرودخوانی با حضور نمایندگان مجلس و مقامات عالی‌رتبه‌ی دولتی با شرکت دختران در مدارس دخترانه (همان).

۲. فعالیت کانون بانوان که برنامه‌های گسترده‌ای برای نشان دادن نقش و مقام زن در اجتماع ترتیب داد (همان: ۱۰۶).

۳. گسترش مدارس دخترانه: در سال ۱۳۰۴ در تهران ۹ دبستان دخترانه‌ی دولتی و ۲۷ دبستان ملی و یک دبیرستان دخترانه‌ی دولتی و ۹ دبیرستان ملی وجود داشت، اما در سال ۱۳۱۶ تعداد دبستان‌های دخترانه‌ی تهران به ۶۸ و تعداد دبیرستان‌های دخترانه نیز به ۳۱ باب رسید. بر این تعداد، مدارس فنی و صنعتی دخترانه، مانند «مدرسه‌ی صنعتی نسوان» (خانم عفت‌الملوک خواجه‌نوری، رئیس مدرسه‌ی صنعتی نسوان، از پیشگامان آزادی زنان بود)، «هنرستان دختران» و دارالمعلمت (دانشسرای مقدماتی دختران) را باید افزود.

۴. تأسیس دارالمعلمت برای تربیت زنان آموزگار با هدف تدریس در مدارس دخترانه (همان: ۱۱۰).

۵. تأسیس مدارس مختلط تا سال چهارم ابتدایی که پسران و دختران در کلاس روی یک نیمکت نشستند (همان: ۱۰۶).

۶. گسترش پیشاهنگی دختران در مدارس دخترانه (همان: ۱۰۶).

۷. انتشار مقالات و مطالب سودمند در روزنامه و مجلات برای آماده کردن افکار عمومی (همان: ۱۰۶).

صفائی از تصمیم شاه در اوایل دی ماه خیر می‌دهد که تحت عنوان اعلام آزادی زنان، وزیر فرهنگ را به فراهم کردن تشریفات این کار موظف کرد، در نتیجه نخست‌وزیر و وزیر فرهنگ پیشنهاد کردند «شاه در زمان افتتاح عمارت دانشسرای عالی و توزیع دیپلم‌ها و جوایز، همراه ملکه‌ی پهلوی و شمس و اشرف شرکت کنند و وزیران و فرهنگیان نیز همراه بانوانشان دعوت شوند و در یک جلسه‌ی رسمی از سوی شاه آزادی زنان اعلام شود. شاه نیز این پیشنهاد را پذیرفت» (همان: ۱۰۶).

بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۷ دی ۱۳۱۴ هـ ش برای اعلام آزادی زنان تشخیص داده شد. در این مجلس ملکه، شمس و اشرف با پالتو و کلاه حاضر شدند و در این نهضت پیشگام شدند (همان: ۱۰۷). رضاشاه در سخنرانی خود گفت که بانوان کشور در نتیجه‌ی دانایی و معرفت به وضعیت خود آشنا شده‌اند و به حقوق و امتیازهای خود پی برده‌اند و زنان این کشور که به دلیل خارج بودن از اجتماع نمی‌توانستند استعداد و لیاقت ذاتی خود را نشان دهند و حق خود را نسبت به

کشور خود ادا کنند، از این پس می‌توانند علاوه بر وظیفه‌ی مادری از مزایای دیگر اجتماعی نیز بهره‌مند شوند. نباید از نظر دور داشت که نصف نیروی عامله‌ی کشور در سرشماری‌ها شمارش نمی‌شدند و تنها زمانی که وضعیت ارزاق جامعه در مضیقه می‌افتاد و می‌خواستند تأمین آذوقه کنند مورد سرشماری قرار می‌گرفتند (همان: ۱۰۷).

د. حضور در عرصه‌های اجتماعی: برای رسیدن به این هدف، مدارس دخترانه هر سال گسترش می‌یافت (همان: ۱۰۵) و با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ورود زنان به عرصه‌ی علوم جدید به اوج رسید. نخستین گروه دختران دانشجو در سال ۱۳۱۵ به دانشگاه راه یافتند. این گروه ده نفره در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شدند (همان: ۱۱۰).

ه. سلامت زنان: توجه به سلامت جسمانی مادران در راستای سیاست‌های دولت و برای تبیین اقدامات رژیم بود. «در سال ۱۳۱۸ بنگاه حمایت مادران و نوزادان در جنوب شهر افتتاح شد (همان: ۱۳۷). در پی این اقدامات از سوی رژیم، آزادی زنان اعلام شد و راه برای پیشرفت‌های آینده‌ی آنان هموار گردید» (همان: ۱۰۹).

با توجه به موارد بالا محتوای این کتاب را می‌توان فقط اقدامات دولت در ارتباط با زنان دانست، در حالی که به تصویر زن در این آثار توجهی نشده است و به آن‌ها تنها به عنوان مصادیق عملکرد دولت مدرن در ایجاد تغییر چهره‌ی ایران، به عنوان جزئی از مصادیق تحول پرداخته شده است؛ این در حالی است که به خود زنان و پذیرش تصویر آن‌ها در این دایره‌ی تحولات توجهی نشده است. به عبارتی بهتر، در این کتاب برای تبیین کارنامه‌ی عملی دولت، از بخش‌ها و نهادهای مختلفی نام برده شده که حوزه‌های زنانه نیز در همان راستا بازتاب یافته‌اند.

۴. تاریخ شاهنشاه رضا شاه پهلوی از ۳ اسفند ماه ۱۲۹۹ تا ۲۴ شهریور ماه ۱۳۲۰

سعید نفیسی در این اثر تنها به بیان اقدامات و تحولات نهادهای دوران رضا شاه پرداخته است و آنجا هم که به مسائل زنان توجه نشان داده در همان راستای انعکاس شعارهای حکومت مبنی بر اهتمام ویژه به جایگاه زنان و احیای موقعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایشان قلم زده است، در

حالی که فحوای منتج از دیدگاه مؤلف در خلال سطور وی، نقشی از دغدغه‌ی واقعی و اهمیت قائل شدن برای زنان و مسائل آن‌ها را بیان نمی‌کند.

از این رو منبع یادشده با تأکید بر اقدامات دوران رضاشاه در حوزه‌های نهادی و سازمانی، به چهارده دسته‌ی کلی تقسیم شده است که شامل استقلال ایران، امنیت کشور، اصلاحات نظامی، اصلاحات اداری، اصلاحات قضایی، اصلاحات اجتماعی، اصلاحات شهری، اصلاحات اقتصادی و مالی، اصلاحات کشاورزی، اصلاحات و پیشرفت‌های صنعتی، اصلاحات فرهنگی، وسایل ارتباطی، راه آهن ایران و اصلاحات بهداشتی است.

نفیزی مانند نویسندگان و مورخان دیگر دوران رضا شاه که به نگارش تاریخ رسمی این سلسله پرداخته است، یکی از محسنات حکومت رضا شاه را توجه به حق و حقوق زنان می‌داند، به نقش و اهمیت زنان و برابری با مردان در عرصه‌های مختلف اجتماعی اشاره دارد و معتقد است از آنجا که شاه به این مهم واقف بوده است دست به اقدامات متعددی زد و در تمامی این عرصه‌ها نتایج موفقیت‌آمیزی کسب کرد. از جمله‌ی این اقدامات عبارت‌اند از:

الف. اصلاح قوانین ازدواج: پیش از این در ایران در نتیجه‌ی تعدد زوجات و زن‌های متعه (صیغه) و عقدی و طلاق‌های بی‌مورد و جابراجه اتحاد و اتفاق خانواده از بین رفته بود، در حالی که یگانگی و پیوستگی لازمه‌ی هر جامعه‌ی قوی و ملت برومندی است. افراد جامعه با یکدیگر بیگانه و بی‌قید و حتی دشمن بودند و پدر نیز با همسران متعدد و فرزندان که از چند مادر بودند بیگانه بود و تربیت خانوادگی که پایه‌ی تربیت ملی است وجود نداشت. تنها راه ایجاد خانواده‌های برومند این بود که حق طلاق را که تنها با شوهر بود و شرط و قیدی در آن نبود محدود کنند و هر دو طرف یعنی زن و مرد را در آن مساوی سازند و برای تعدد زوجات قیود و شرایط دشواری برقرار کنند تا مانع از هوسرانی و بدبختی و نفاق در میان خانواده‌ها باشد. این نکته در تاریخ اصلاحات این دوران بسیار اهمیت دارد (همان: ۴۹).

ب. کشف حجاب: نفیزی همچون صفائی با تأکید از مسئله‌ی کشف حجاب به عنوان مهم‌ترین اصلاح اجتماعی عصر یاد می‌کند و می‌گوید هر ایرانی که شاهد آن بوده باید فخر کند که آن روز را دیده و به جرئت می‌توان گفت که در تاریخ هیچ دیاری کاری بدین دشواری بدین

آسانی به پایان نرسیده است. این واقعه‌ی تاریخی همه‌ی جهانیان را به حیرت درآورد و باعث شد همگان شاه را در شمار مردان درجه‌ی اول تاریخ ایران به شمار آورند (همان: ۵۵-۵۶). آشکارترین نشانه‌ی فساد و زبونی و تباهی اوضاع ایران و درماندگی و ویرانی کشور ما در زمان‌های گذشته همین بود که زنان ما و نیمی از جامعه‌ی ما در حجاب بودند و کوچک‌ترین نقشی در زندگی اجتماعی نداشتند و از روزی که حجاب از جامعه رخت بریست ملت ایران از بزرگ‌ترین موانع ترقی‌رهایی یافت، زیرا حجاب زنان یادگار تاریک‌ترین دوران انحطاط جوامع بشری بوده است و هیچ مرد منصفی در جهان نمی‌تواند منکر شود که حجاب زنان و در پرده بودنشان با هیچ یک از احساسات و عواطف عالی بشری و عقل و منطق و برهان جور در نمی‌آید. حجاب نشانه‌ی آشکار دوره‌ی نادانی و بربریت ملوک‌الطوایفی است و قطعاً از عادات قدیم نژاد سامی بوده و یادگار زنده به گور کردن دختران است. قطعاً از روزی که این امر واقع شد و زنان از قید اسارت و بردگی رها شدند وارد زندگی اجتماعی می‌شوند و این خود انقلاب عظیمی است (همان: ۵۶).

یکی دیگر از محاسن رفع حجاب، بالا رفتن سطح بهداشت زنان است. «وجود حجاب گذشته از مفاسد اخلاقی و اجتماعی و مدنی مضار بهداشتی بسیار نیز داشته است. تردیدی نیست موجودی که روز و شب از هوا و آفتاب دو عنصر مهم تندرستی محروم باشد موجودی است رنجور و ضعیف، به همین دلیل رفع حجاب علاوه بر تبعات مثبت اجتماعی دارای فواید بهداشتی نیز می‌باشد» (همان: ۱۲۲).

ج. آموزش دختران: نفیسی با مقایسه‌ی وضعیت مدارس دختران در دوره‌ی قاجار با دوران رضاشاه، می‌نویسد: «در پایان دوره‌ی قاجار تنها در تهران دو مدرسه‌ی ملی دخترانه تأسیس شد ... این در حالی است که با آمدن رضاشاه در پی اصلاحات در پیش گرفته شده، مدارس جدیدی تأسیس شدند؛ از جمله مدارس و هنرستان‌های دخترانه و همچنین مدارس مختلط. در دبستان‌های مختلط پسر و دختر تا سن چهارده سالگی و پایان دوره‌ی ابتدایی با هم درس می‌خواندند و از آنجا که در جامعه‌ی متمدن باید زن و مرد و پسر و دختر در همه‌ی حقوق و مزایا برابر باشند، در برخی مراحل باید با هم محشور باشند تا اختلافاتی که باعث تفرقه‌ی جامعه و نفاق در میان افراد است

برخیزد و مرد و زن از روحيات و احساسات يکديگر هر چه بيشتر آگاه باشند ... تا در زندگي خانوادگي يگانگي مطلق فراهم شود (همان: ۹۴).

نفيسي شواهدی از حضور موفق زنان در مقایسه با مردان در عرصه‌های مختلف ذکر می‌کند و می‌گوید: نوآموز از آموزگاری که زن باشد بيشتر و بهتر پیروی می‌کند و او را همچون مادر خود تلقی می‌کند و نتیجه‌ی بهتری دارد. وانگهی استعداد زنان برای تدریس در دبستان‌ها و دلسوزی و پشتکارشان در این زمینه بيشتر است و به همین دلیل یکی از مهم‌ترین اصلاحاتی که باید در دبستان‌ها و روش آموزش و پرورش می‌کردند، تأسیس دبستان‌های مختلط بود که پسر و دختر در مراحل اولیه‌ی تحصیل با هم شریک و معاشر باشند و کارکنان و آموزگاران این دبستان‌ها زن باشند.

پذیرفتن دختران در دانشکده‌ها نیز بسیار اهمیت داشت، زیرا در جهان مدرن زن و مرد به طور مساوی شریک و سهم هستند. آن‌ها باید به‌ویژه در کسب دانش برابر باشند، زیرا زنان در بسیاری از فنون بیش از مردان استعداد و توانایی دارند و هیچ دلیلی نیست که آن‌ها را از فراگرفتن این فنون محروم کنند و به همین دلیل در این دوره پسر و دختر با هم در دبستان‌های مختلط و دانشگاه‌ها پذیرفته شدند تا تجربه‌های لازم به دست آید (همان: ۹۸-۹۹).

د. ورزش و تربیت بدنی: یکی از اقدامات مهم این دوره توجه به مقوله‌ی ورزش و تربیت بدنی است. قانونی برای اجباری بودن ورزش در مدارس به تصویب رسید و یک سلسله کارهای مهم در تأسیس انجمن‌های تربیت بدنی و فراهم کردن زمین‌های ورزشی و تأسیس پیشاهنگی در میان دختران و پسران و برقرار کردن جایزه‌ها و مسابقه‌های ورزشی و آماده کردن جوانان کشور اعم از دختر و پسر برای شرکت در رژه‌ها و دفیله‌ها انجام شد. این تلاش‌ها به نتیجه‌ی مطلوب رسید و به‌سرعت ورزشکاران ایران با ورزشکاران کشورهای دیگر برابر شدند و برخی از ایشان در مسابقه‌های بین‌المللی بر دیگران برتری یافتند (همان: ۱۰۰).

ه. بهداشت زنان: در دوره قاجار تنها یک بیمارستان زنان دایر بود و با آمدن رضاشاه توجه خاصی به بهداشت مادران و نوزادان و کودکان شیرخوار صورت گرفت، به طوری که بیمارستان مخصوص بیماری‌های زنان و کودکان دایر شد. گذشته از زایشگاه‌ها و شیرخوارگاه‌هایی که در

این دوره تأسیس شدند، آموزشگاه مخصوص پرستاری تأسیس شد و هر سال عده‌ای از زنان ایرانی از این آموزشگاه‌ها بیرون می‌آمدند و به خدمت می‌پرداختند (همان: ۱۱۹-۱۲۰). از دیگر اقداماتی که نشانه‌ی توجه به حق و حقوق زن و مرد و به‌ویژه زنان است معاینه‌ی صحیح پیش از ازدواج و محروم کردن دختر و پسر نابالغ از ازدواج است (همان: ۱۲۰). در یک جمع‌بندی اجمالی باید کتاب نفیسی را به عنوان نمونه‌ای از تاریخ‌نگاری رسمی دوران رضا شاه و اثری در چارچوب بیان تحولات نهادهای ایران در پی اقدامات دولت پهلوی شمرد که به مسائل زنان به عنوان یکی از مصادیق اقدامات دولتی اهتمام کرده است و بس.

۵. تاریخ شاهنشاهی اعلی‌حضرت رضا شاه پهلوی یا علل نتیجه‌ی نهضت عمومی ملی آبان ۱۳۰۴ به افتخار دقایق سعادت‌بار نهضت

امیرطهماسبی در اثر خود از ناامنی‌های ابتدای کار رضا خان نوشته است و شرح مفصلی از دعوت‌نامه‌های متعدد ولایات به رضاخان و استمداد از وی برای پذیرفتن مسئولیت اداره‌ی کشور ارائه می‌دهد. این کتاب شامل شب‌نامه‌ها، اطلاعیه‌ها و دعوت‌نامه‌ها است که درباره‌ی زنان مطالبی ندارد. در حالی که نویسنده مدام از انقلابی یاد می‌کند که در نتیجه‌ی ورود رضاخان به تهران رخ داده، اشاره‌ای به اقدامات یادشده نمی‌کند. این نشان می‌دهد که تبلیغات حکومت درباره‌ی زنان و سیاست‌های وقت نمودی و تأثیری در اندیشه‌ی نویسندگان آثار و فرهنگ و ارزش‌های حاکم نداشته است، چون اگر تأثیری داشت باید در آثار آن دوره تجلی می‌یافت.

۶. اطلاعات در یک ربع قرن

این اثر به پاس خدمات عباس مسعودی، مدیر روزنامه‌ی اطلاعات منتشر شده و سیر وقایع مهم از زمان تأسیس روزنامه‌ی اطلاعات (۱۳۰۵هـ.ش) تا وقایع مهم بعد از شهریور ۱۳۲۰هـ.ش را در بر دارد؛ لذا همچون تواریخ رسمی دیگر به ذکر محاسن حاکمیت می‌پردازد. نویسنده وجود محاسن و سجایای رضا شاه را دلیل موفقیت حکومت می‌داند و از جمله‌ی این سجایا به فعالیت‌های شبانه‌روزی، رشادت و حب وطن اشاره می‌کند (مسعودی، ۱۳۲۹: ۱۶-۱۷).

نویسنده در کتاب کمتر به زنان پرداخته است، با این حال از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره و توجه به مدرنیته، به کشف حجاب و حمایت از پوشش مدرن و مقبول از سوی جهانیان برای زنان ایران تحت عنوان «زن‌ها وارد اجتماع شدند» اشاره می‌کند. وی ورود زنان در اجتماع را همزمان با برداشتن حجاب می‌داند (همان: ۱۴۵) و به این مطلب اشاره می‌کند که برای ورود زنان در اجتماع، مجالس و سخنرانی‌هایی در تهران و شهرهای شمالی کشور و سپس به تدریج در سایر شهرها تدارک دیده شد. روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ شاه، زنان را تشویق کرد از فرصت پیش رو نهاده حداکثر استفاده را بکنند و آن‌ها را از اسراف و تجمل بر حذر می‌دارد و توصیه می‌کند حتی الامکان سادگی را پیشه کنند و کمک و یاور مردان باشند، به صرفه‌جویی در زندگی عادت کنند تا مفید واقع شوند (همان). همچنین در این کتاب از سفر شاه افغانستان و استقبال مقامات ایرانی که کالسکه‌هایی ترتیب داده و ملکه ثریا به همراه سایر زنان درباری ایران بر آن سوار شدند و در باغی مورد پذیرایی قرار گرفتند گزارش داده شده است (همان: ۳۶-۳۷). نکته جالب این است که ملکه‌ی افغانستان و خانم‌های درباری در باغ دیگری پذیرایی شدند که نشانه‌ی وجود سنت تفکیک زنان و مردان در این برهه است.

تغییر قوانین ازدواج از دیگر مطالب این منبع است.

طرح این قانون برای مردهایی که در این مملکت زندگی می‌کنند و همیشه مالک‌الرقاب زنان بوده‌اند به طور قطع به مذاق بعضی از آن‌ها شیرین نخواهد بود، چون می‌خواستند محرمانه چند زن را در نکاح خود قرار دهند و حالا به مشکل بر می‌خورند و وجود دفاتر رسمی مانع از این خواهد شد و خلاصه برای تجاوز مردها به حقوق زنان سدی پیدا خواهد شد (همان: ۷۹).

از دیگر نوآوری‌ها برای حضور هر چه بیشتر زنان در عرصه‌های اجتماعی، راه‌اندازی کنگره‌ی زنان شرق در آبان ۱۳۱۱ است که خانم نور حماده، رئیس شورای عالی اتحاد نسوان شرق از لبنان و ... به ایران آمدند و مورد استقبال زنان فعال در عرصه‌های اجتماعی قرار گرفتند و با حمایت‌های صورت گرفته در مجالس متعددی سخنرانی‌هایی را انجام دادند (همان: ۹۷).

نویسنده در این کتاب، به زنان توصیه‌هایی درباره‌ی مسائل مهم زندگی می‌کند و می‌گوید «در سایه‌ی سادگی و احتراز از تجمل و اسراف بانوان، بنای اخلاق نسل آینده که تربیت آن به عهده‌ی زنان این کشور است تحکیم می‌شود» (همان). نگرش ابزاری به زن که از ویژگی‌های نگاه سنتی به زن در جامعه‌ی ایران است، همچنان در منظر مورخان رسمی و نویسندگان دوره‌ی رضا شاه که در تبیین گسترش دولت مدرن و جامعه‌ی برابر زن و مرد قلم می‌زنند نمود دارد، از این رو همچنان در آثار این نویسندگان، اندرزهای اخلاقی و نصیحتی با تأکید بر نقش زن در جهت خدمت به خانواده، نه برای خودش، آمده است و هویت مستقلی برای زن لحاظ نمی‌شود. نکته‌ای که در بخش دیگری از مطالب این کتاب با هدف انعکاس عملکرد اصلاحی دولت، نمود یافته است، گزارشی از تأسیس هنرستان دخترانه است که ادعا شده است با اهمیت دادن به جایگاه خانه‌داری، مادری و همسری برای زن، به قصد افزایش سطح آگاهی و ورود زنان به عرصه‌های علمی و مجامع بزرگ‌تر بنیاد یافته است:

در روز ۳ مهر ۱۳۱۷ عمارت هنرستان دخترانه که ساختمان آن در آذر ماه ۱۳۱۴ آغاز شده بود از طرف رضا شاه بازدید و گشایش یافت. مریم اردلان، مدیر هنرستان دختران در گزارش خود گفت این عمارت برای تربیت دویست نفر دوشیزه در نظر گرفته شده است که مدت سه سال برای فراگیری احتیاجات لازمه‌ی زندگی از قبیل خانه‌داری، آشپزی، شیرینی‌پزی، خیاطی، پرستاری و کارهای دستی تحت تعلیمات بانوان مربی قرار می‌گیرند و در ضمن تحصیلات خود را تا کلاس ششم ابتدایی تکمیل خواهند کرد (همان: ۱۶۵).

به این ترتیب، این هنرستان به آموزش علمی زنان برای اداره‌ی خانه و خانواده می‌پرداخته است و این امر شاید سرآغاز ورود زنان به مجامع علمی باشد، زیرا در سالیان بعد، یعنی سال ۱۳۱۸ به همراه تعدادی از مردان، سه زن نیز وارد باشگاه هواپیمایی کشور شدند و توانستند این فن را دنبال کنند (همان).

۷. رضا شاه کبیر را بهتر بشناسیم

این کتاب در بردارنده‌ی مطالبی است که اطرافیان شاه نگاشته‌اند. این مطالب توسط گردآورنده با واسطه یا بدون واسطه نقل شده‌اند. در ابتدا به نقل از محمدرضا شاه درباره‌ی رضا شاه آمده است: «زندگی خصوصی پدرم ساده و بدون تکلف بود» (بیگلری، ۲۵۳۵: ۱۲). همچنین سخت‌کوشی (همان: ۱۳)، میهن‌پرستی (همان: ۱۴) و شجاعت (همان: ۲۰) از دیگر سجایای اخلاقی رضا شاه شمرده می‌شدند. سپس با توجه به خاطرات افراد متعدد، اقدامات دوران رضا شاه چون تأسیس پل، جاده و بناهای مختلف مرور شده است. با این وجود در هیچ مبحث یا خاطره‌ای به مسائل زنان اشاره نشده است و حتی مسئله‌ی کشف حجاب نیز مسکوت مانده است. تنها جایی که به زنان اشاره شده است، حضور آن‌ها در مراسم استقبال از شاه در شهرهای مختلف است که به عبارتی دقیق‌تر این نوشته‌ها را تأکیدی بر شاه‌مداری می‌توان تلقی کرد. این کتاب نیز با محوریت بازتاب وجوه اقتدار رضا شاه در اجرای اصلاحات و اقدامات اجتماعی در جامعه تدوین شده است، نه با دغدغه‌ی توجه به زنان و مسائل ایشان. همچنین روح حاکم بر مطالب کتاب، تأکید بر شاه‌مداری است، تا جایی که به زنان هم در راستای انجام وظیفه‌ی شاه‌دوستی‌شان اشاره شده است.

۸. رضا شاه کبیر در آیین‌های خاطرات

این اثر ابراهیم صفائی حاوی خاطرات افراد نزدیک رضا شاه در دوران قبل و بعد از سلطنت وی است. مطالب حول محور وقایع نظامی است. درباره‌ی زنان در عرصه‌های مختلف مطالب بسیار کم است و تنها از خاطرات علی‌اصغر حکمت می‌توان نام برد که به تفصیل و با دقت به زنان و جایگاه، نقش و شرایط آن‌ها پرداخته است.

در یک روز در تیر ماه ۱۳۱۴ جلسه‌ی هیئت وزیران در سعدآباد با حضور شاه برگزار شده بود. در این جلسه شاه رو به من کرده گفت: من سابقاً به وزراء و کفیل وزرات معارف سابق دستور داده بودم این عادت منحوسی که در ایران مرسوم است که زنها روی خودشان را می‌پوشانند و پیچه و نقاب می‌زنند برچیده شود و زنها هم مثل سایر نقاط دنیا آزاد باشند و در اجتماع شرکت کنند،

ولی هیچ کدام انجام ندادند. حالا از تو می‌خواهیم ببینیم تو چکار می‌توانی بکنی؟ (صفائی، ۱۳۵۴: ۱۰۱-۱۰۲).

نتیجه این شد که برنامه‌ای مبنی بر برگزاری مجالس مختلف در مدارس دخترانه اعلام شد که در آن مجالس، دخترها در حضور مردان نطق کنند و جشن و سرور برپا شود. برای گردهمایی خانم‌های تحصیلکرده هم کانون بانوان تأسیس شد، با این هدف که از رجال و دانشمندان و اشخاص معروف تهران دعوت شود برای حضار، از زن و مرد، راجع به مقام زن در جامعه و به‌ویژه در جامعه‌ی اسلام سخنرانی کنند. همچنین اجازه داده شد کلاس‌ها در مدارس ابتدایی تا سال چهارم به صورت مختلط برگزار شود و معلم‌های اینان هم زن باشند، زیرا مردان کمتر حاضر می‌شوند که معلم دبستان باشند و در نهایت وقتی این اقدامات انجام گرفت اذهان عمومی هم برای این تحول بزرگ آماده خواهد شد. در نهایت، شاه در روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ برای جشن توزیع دیپلم، در طی نطقی اعلام کرد: امروز با روزهای دیگر از نظر من فرقی نمی‌کند، ولی از قرار معلوم روز خوبی است، زیرا از امروز ایران در جامعه‌ی ملل متمدن داخل می‌شود و ولیعهد که در سوئیس است برای قدردانی از زحمات علی‌اصغر حکمت نامه‌ای به نشانه‌ی تشکر و قدردانی فرستاد (همان: ۱۰۱-۱۰۴).

۹. سیری در تاریخ شاهنشاهی ایران

این کتاب حلاوی اطلاعاتی مختصر از تاریخ شاهنشاهی ایران است که قسمت اعظم آن به دوره‌ی پهلوی، به‌ویژه پهلوی دوم اختصاص دارد. تنها بخش مربوط به دوران رضا شاه و اشاره به زنان، جایی است که مسئله‌ی کشف حجاب به عنوان سرآغاز حضور زنان در عرصه‌های مختلف آمده است:

اعلی حضرت رضا شاه کبیر به پیشرفت بانوان و شرکت دادن آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی علاقه‌ی بسیار داشتند. شدت این علاقه را می‌توان از سخنان معظم‌له که هنگام تشریف‌فرمایی به دانشسرای مقدماتی آن روز ایراد کردند به خوبی فهمید. اعلی حضرت رضا شاه در روز چهارشنبه ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ به اتفاق ملکه‌ی پهلوی رضا شاه کبیر فرمودند: بی‌نهایت

مسروم که می بینم خانمها در نتیجهی دانایی و معرفت به وضع خود آشنا شده و پی به حقوق خود برده اند. ما نباید از نظر دور بداریم که در سابق نصف جمعیت کشور ما به حساب نمی آمد و نصف قوای عامله کشور عاطل بود. هیچ وقت احصائیه از زن ها برداشته نمی شد. مثل اینکه زن ها یک افراد دیگری بودند و جزو جمعیت ایران به شمار نمی آمدند. فقط در یک مورد از زن ها احصائیه برداشته می شد و آن موقعی بود که وضعیت ارزاق مشکل می شد و برای تأمین آذوقه سرشماری می کردند. شما خانمها این روز را یک روز بزرگ بدانید و از فرصتهایی که دارید برای ترقی کشور استفاده کنید. شما خواهران و دختران من، شما تربیت کنندهی نسل آینده خواهید بود و شما هستید که می توانید آموزگاران خوبی باشید و افراد خوبی از زیر دست شما بیرون آیند. از تجمل و استراحت پرهیزید، سادگی را پیشهی خود سازید، کمک و یار مردها باشید، به اقتصاد و صرفه جویی در زندگی عادت نمایید و به تمام معنی مفید به حال مملکت باشید (میرخلف زاده، ۲۵۳۵: ۱۱۵-۱۱۶).

نویسنده نتیجهی اقدامات رضا شاه را در دورهی محمدرضا شاه می داند که زنان توانستند برای شرکت در امور مختلف اجتماعی، علمی و فرهنگی وارد عرصه شوند و برای نمونه به پیکار با بی سوادی و سپاه دانش اشاره می کند که زنان در آن سرآمد بودند. این مطالب نشان می دهد که هویت مستقل زن، به هیچ گرفته شده و عباراتی چون «از تجمل و استراحت پرهیزید» بیانگر این است که نگرش سنتی همچنان تداوم و استمرار داشته است و تنها در یک پوشش جدید و به صورت شعارهایی فریبنده مانند «یار و یاور مردها بودن» و ... ارائه شده است که مبین نگرش ابزاری نویسندگان مرد نسبت به زنان و بهره برداری از نقش ایشان در تغییر و تحولات جدید جامعهی ایران است.

۱۰. تاریخ مصوّر رضا شاه کبیر مطالعات فرهنگی

این کتاب حاوی عکسهای متعدد دوران قاجار تا پایان سلطنت رضا شاه و مراسم تشییع جنازهی وی است. تعداد زیادی از عکسها به ورود زنان در عرصه های مختلف اجتماعی اختصاص دارد که با قانون کشف حجاب آغاز می شود. سخنرانی های شاه نیز ثبت و ضبط شده اند، از جمله سخنرانی شاه در شماره ی ۵۲ مجله ی رادیو ایران که چنین است:

بانوان شما مادر هستید و من به شما احترام می‌گذارم، به جهت اینکه شما مربی نسل آینده‌ی مملکت می‌باشید. من دست شما را گرفتم و از گوشه‌ی خمودی بلند کرده پهلوی مردانتان جای دادم. در دانشگاه را به روی شما گشودم و ترقی و تعالی شما بانوان ایران را از خدا خواسته‌ام، دیگر خود دانید. بیانات اعلی حضرت فقید رضا شاه کبیر، مجله‌ی رادیو ایران، شماره‌ی ۵۲ (آذری، بی تا: ۱۳۶).

۱۱. نظر جراید و مجلات خارجی درباره‌ی اعلیحضرت رضا شاه پهلوی

این اثر دربردارنده‌ی بخش‌هایی از جراید و مجلات است که به گسترش تحصیل، کشف حجاب و توجه ورزش از سوی حاکمیت پرداخته است و نقش زنان را نیز مورد توجه قرار داده است.

روزنامه‌ی *گرینوار* چاپ پاریس ۱۹ ژوئیه‌ی ۱۹۳۵: «از اصلاحات زمان سلطنت پهلوی اجباری شدن تعلیم و تربیت برای اطفال ذکور و اناث است. تعلیم و تربیت در مدارس عمومی مجانی بوده و در مدارس خصوصی وجه خیلی مختصری از شاگردان اخذ می‌شود. از عده‌ی بی‌سوادان به طور جالب توجهی کاسته شده است (بی تا، ۲۵۳۵: ۱۱۷-۱۱۸).

روزنامه‌ی *شین آشیا* (آسیای جدید) چاپ توکیو در ماه می ۱۹۴۰ درباره‌ی مدارس جدید ایران و پیشرفت اجتماعی زنان می‌نویسد: «در سال ۱۹۲۲ در تمام ایران فقط ۶۱۲ مدرسه موجود بود، ولی در سال ۱۹۳۵ این عده به ۵۳۳۹ بالغ گشته و امروز به ده هزار می‌رسد. بر حسب فرمان شاهنشاه برای اولین بار تحصیلات اجباری برای اطفال ۷ الی ۱۳ ساله معمول و از سال ۱۹۳۵م. مدارس مختلط پسرانه و دخترانه احداث گردیده است. در آن سال از ۸۸۷۴ نفر فارغ‌التحصیل ۲۲۵۳ نفر آن‌ها دختر بوده است» (همان: ۱۱۹).

کشف حجاب به عنوان مبدأ تجددخواهی و ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی به نقل از یادداشت‌های محمدرضا پهلوی در کتاب *مأموریت برای وطن*: «هنگامی که پدرم به تخت سلطنت نشست مصمم گشت که زنان را از بار سنگین آداب و رسومی که آنان را مقید ساخته و اثر آن دامنگیر ملت ایران نیز گشته است آزاد سازد. منظور وی آن بود که فکر زنان را ترقی دهد و مادرانی دانشمند و افرادی شایسته به اجتماع ایران بیفزاید تا در نوبه‌ی خود فرزندان با فضایل اخلاقی و تربیت اجتماعی برای کشور بار آورند ... پدرم بدو برای رفع حجاب زنان اقدام کرد و در اثر تشویق و تحریص وی در سال ۱۳۰۹ نخستین بار بعضی از بانوان طبقه‌ی اول

در خانه‌های خود و مجالس مهمانی به لباس زنان اروپایی درآمدند و عده‌ی کمی هم جرئت کرده بدون حجاب در خیابان‌ها ظاهر می‌شدند- در سال ۱۳۱۳ آموزگاران و دختران- دانش‌آموز از داشتن حجاب ممنوع شدند ... بالاخره روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ پدرم با اعلام کشف حجاب قدم نهایی را در این راه برداشت و از مادر و خواهرانم خواست پدرم که هیچ‌گاه به ایراد نطق‌های مفصل و طویل عادت نداشت در آن روز نطق مختصری به شرح زیر ایراد فرمودند: تا آنجا که اطلاع دارم این اولین باری بود که در تاریخ جدید ایران بانوان بدون حجاب در مراسم شرکت می‌جستند و پرواضح است که موفقیت در این آزمایش بزرگ مرهون نیروی ابتکار پدرم و تا درجه‌ای مدیون شجاعت مادر و خواهرانم بود که در برابر رسوم کهنه که مورد حمایت اکثریت مردم از جمله بسیاری از روحانیون بزرگ و رجال کشور بود قیام کنند.....» (همان: ۱۲۹-۱۳۰).

روزنامه‌ی ملیت چاپ استامبول ۶ سپتامبر ۱۹۳۱م: «شاه ایران چادر زن‌ها را که قرن‌ها نسوان ایرانی خودشان را در آن محکم پیچانده‌اند قدغن فرموده است. نظر به اخباری که مجله‌ی نسوان موسوم به مینروا چاپ فرانسه انتشار داده است، شاه ایران در باب رفع چادر زنان ایران یک رفتار تازه نموده است، به این ترتیب که قریب ۵۰۰ نفر خانم‌های ایرانی را به دربار خود دعوت و پس از نصیحت و اندرزهای مفصل از آن‌ها خواسته است چادرهای خود را بردارند و آن‌ها نیز فرمان شاه را با خرسندی پذیرفته‌اند» (همان: ۱۳۰).

روزنامه‌ی میدلتون پرس: «اعلی‌حضرت شاه، هم خود را مصروف اصلاح حال نسوان ایران می‌نمودند. حجاب نسوان را از بین برده و به آن‌ها اجازه داده‌اند که مجامعی تشکیل داده برای مساوات سیاسی و حقوقی بانوان و الغاء اصل تعدد زوجات و سایر حقوقی که نسوان در بریتانیا و اتازونی دارا می‌باشند تقاضاهایی بنمایند. بلی ایران رو به تجدد می‌رود. مردان و زنان ایران می‌خواهند دارای مزایا و حقوقی بشوند که اگر اجدادشان حتی توجه بدان می‌نمودند ممکن بود سر آن‌ها را قطع نمایند. بدیهی است که اعلی‌حضرت رضا شاه پروگرام سنگینی را در دست دارند تا بتوانند از سر نو شالوده‌ریزی نمایند. فرمان جدید شاه راجع به رفع حجاب یک قدم دیگر در راه تجدد است و آنان که به ایران مسافرت نموده‌اند می‌دانند که چه تغییرات عظیمی در این مملکت حادث شده است» (همان: ۱۳۱)؛ همان مطلبی که حکایت از تمایل شاه در جهت کسب وجهه در محافل بین‌المللی دارد.

روزنامه‌ی پتی مارسیه چاپ پاریس ۲۱ فوریه ۱۹۳۶م: «آخرین زندان جهالت و تعصب را اصلاحات رضا شاه پهلوی، پادشاه متجدد و مصلح ایران از بین برد. بعد از اجرای یک سلسله اصلاحات، از بین رفتن چادر و نقاب در نظر اروپایی‌ها قریب‌الوقوع بود. باید در مقابل عقل و درایت رضا شاه که توانست این موضوع را از قوه به فعل آورد سر تعظیم فرود آوریم ... بنابراین زدن نقاب برای زن ایرانی یک عادت و در همین حال یک قانون کهنه و پوسیده گردیده تصور می‌شود که در فکر مسلمان زن بایستی همواره در زیر نقاب مستور بماند. حالا که زن‌ها آزاد شده‌اند نه تنها می‌توانند لباسی به آخرین مد اروپایی بپوشند و خود را نشان بدهند، بلکه می‌توانند در زندگی اجتماعی مملکت شرکت نمایند» (همان: ۱۳۱-۱۳۲).

روزنامه‌ی لوموند چاپ پاریس ۱۵ مارس ۱۹۳۷ م: «از همه‌ی اصلاحات تعجب‌آمیزتر ترقی بانوان است که از بندگی نجات یافتند و کاملاً آزاد شدند و دارای حقوقی هستند که هنوز بانوان فرانسه دارا نمی‌باشند. این تغییر فقط صورت ظاهر نیست و به‌خوبی روح تجدد را در ایران می‌فهماند...» (همان: ۱۳۲-۱۳۳).

این تحلیل اشتباه که در روزنامه‌ی لوموند انعکاس یافت، با آنچه واقعاً در ایران اتفاق افتاد بسیار تفاوت داشت و ناشی از برداشت نادرست نویسنده‌ی روزنامه از تحولات آن روزهای ایران بوده است.

مجله‌ی اخبار شرق چاپ برلن ۱ ژانویه ۱۹۳۸ م: «رفع حجاب زنان و آوردن آن‌ها در زندگی اجتماع ملی که تا به حال آن‌ها از آن محروم بودند در زمان اعلی حضرت رضا شاه از اقدامات مهم اجتماعی است و باعث پیشرفت‌های مملکتی خواهد شد. زن‌ها سابقاً از حیث تعلیمات روحی عقب‌تر بودند، اما امروز به تعلیمات عالی‌ه رغبتی دارند. اگر نظر به احصائیه‌ی مدارس دختران ایران بیندازیم خواهیم دید که صد در صد ترقی نموده و در تابستان سال گذشته که اولین وکیل زن ایرانی از مدرسه با دیپلم فراغت تحصیل خود خارج شد، نمونه‌ای خواهد بود که ایران تنها اوضاع خود را روی کاغذ نمی‌آورد و عملاً آن‌ها را انجام می‌دهد. مخصوصاً زحمات یکی از شاهزاده خانم‌های خاندان سلطنتی را هم باید در نظر گرفت که با کمال جدیت و زحمت اتحادی از بانوان ایران تشکیل داد که آن‌ها را در حقیقت یک دسته‌ی واحدی نمود تا خود را برای استفاده از حقوقی که به آن‌ها اعطاء شده است بیش از پیش آماده سازند» (همان: ۱۳۳).

بدون هیچ اغراق باید محقق دانست که موضوع زن در ایران محققاً عملی گشته است. یکی از خدمات عمده که علیاحضرت ملکه‌ی پهلوی و شاهدخت شمس پهلوی و شاهدخت اشرف پهلوی هم در این موضوع نموده‌اند نباید از نظر دور داشت ... سال ۱۹۳۵م. یک سال تاریخی و یک سال تصمیم برای زنان ایران می‌باشد. این سال برای آن‌ها پیشرفتی که در زندگانی آن‌ها اساس عمده‌ای را برقرار می‌کرد آورد. پیشرفت مزبور قانون زناشویی جدید بود. در همین سال در تهران مجمع رسمی زن تشکیل گردید که ریاست افتخاری آن با شاهدخت شمس پهلوی بود. این مجمع کم‌کم در ولایات هم شعبی پیدا کرد. نتیجه‌ی این مجامع بالاخره در تهران به رفع حجاب زنان منجر شد و به طور کامل در تهران و در خارج از ولایات پیشرفت نمود ... حالا دیگر زنان ایران داخل در زندگانی اجتماعی گردیده‌اند ... و در بانک‌ها و وزارت‌خانه‌ها و موسسات کمک خانم‌ها عملی شده است و در هر موردی تکامل زنان ایرانی و آزادی آن‌ها انجام شده و موضوع زن در ایران به کلی حل شده است (همان: ۱۳۳-۱۳۴).

۱۲. نتیجه‌گیری

با توجه به منابع مورد بررسی در این نوشتار که همگی جزو منابع اصلی تاریخ‌نگاری این دوره به شمار می‌روند، بیشتر نویسندگان از عناصر رژیم بودند که مجموعه‌ی اقدامات انجام یافته در دوران حکومت رضا شاه را از محاسن حاکمیت می‌دانستند؛ این در حالی بود که در میان افراد عادی جامعه، بازخورد مشابهی در برابر کارهای حکومت دیده نمی‌شد و نوآوری‌های دولت با استقبال عمومی روبه‌رو نشد.

آثار یادشده که از جمله مصادیق تاریخ رسمی این دوران شمرده می‌شوند، گزارش‌های عملکرد دولت هستند که بی‌دغدغه بودن نویسندگان این آثار نسبت به زنان و مسائل آن‌ها را نشان می‌دهند و نوع نگاه واقعی حاکمیت وقت نسبت به زنان را نیز بیان می‌کنند؛ نگاهی که تنها برای کسب وجهه در جامعه‌ی جهانی و حرکت در راستای مدرنیسم و نوسازی شکل گرفته و برای کسب مشروعیت مطابق اقتضائات عصر و زمانه معنا یافته است، نه بر مبنای دل‌نگرانی نسبت به محرومیت‌ها، محدودیت‌ها و احقاق حقوق و مطالبات زنان.

زیرساخت‌های فکری جامعه در آن روزگار هنوز آمادگی کامل برای پذیرش زنان در عرصه‌ی فعالیت اجتماعی همانند مردان را پیدا نکرده بود، تا جایی که قلم رسمی حاکمیت نیز آن را باور نداشت و در روح کلام خود که مصادیقی از آن‌ها را در متن نوشتار ذکر کردیم، بدان اشاره‌ای نداشت و تنها نگاهی سخت‌افزاری نسبت به زنان حاکم بود. نکته‌ی دیگر این است که در انعکاس تحولات و فعالیت‌های زنان، آشکارا می‌توان دریافت که اکثریت قریب به اتفاق زنانی که از آن شرایط سود جستند و به دانشگاه رفتند یا وارد بازار کار شدند، به طبقات بالای جامعه و اعیان تعلق داشتند؛ این در حالی است که بسیاری از مورخان این دوره، با وجود توجه به سیاست‌های حکومت در ترویج مدرنیته و بهبود شرایط زنان، از پرداختن به این مقوله اجتناب می‌کردند و حتی گاه اشاره‌ای به تحولات صورت گرفته نمی‌کردند. شاید بتوان گفت در طیف فکری سنتی این دست از تاریخ‌نگاران رسمی هنوز جایگاهی برای حضور اجتماعی زنان تصور نمی‌شد و همچنان نگاه سنتی، مردسالار و متعصب، حاکمیت خود را حفظ کرده بود. بدین ترتیب نویسندگان رسمی برای ذکر اقدامات دولت، مسائل زنان را مورد توجه قرار داده‌اند، در حالی که مانند دوران سنتی به زنان و مسائلمان بی‌توجه بودند.

منابع

- آذری، عباسقلی. [بی‌تا]. **تاریخ مصور رضا شاه کبیر**. [بی‌جا].
- امیرطهماسبی، عبدالله. (۱۳۰۵). **تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضا شاه پهلوی یا علل نتیجه‌ی نهضت عمومی ملی آبان ماه ۱۳۰۴**. تهران: مطبعه‌ی مجلس.
- بیگلری، حیدرقلی. (۲۵۳۵). **رضاه شاه کبیر را بهتر بشناسیم**. چاپخانه‌ی خرمی.
- توکلی، یعقوب. (۱۳۸۱). «تاریخ‌نگاری در عصر پهلوی با نگاهی به تاریخ‌نگاری محرمانه». **ماهنامه‌ی زمانه**. ش ۲.
- صفائی، ابراهیم. [بی‌تا]. **بنیادهای ملی در شهریاری رضا شاه کبیر**. تهران: انتشارات اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.

- صفائی، ابراهیم. (۱۳۵۴). **رضا شاه کبیر در آئینه خاطرات**. تهران: انتشارات اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- مسعودی، عباس. (۱۳۲۹). **اطلاعات در یک ربع قرن «حوادث مهم یک ربع قرن در یک جلد کتاب»**. [بی‌جا].
- میرجعفری، حسین و عباس عاشوری. (۱۳۸۶). **تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان**. تهران: دانشگاه پیام نور.
- میرخلف‌زاده، حسین. (۲۵۳۵). **سیری در تاریخ شاهنشاهی ایران «از منشور کورش تا منشور شاهنشاه آریا مهر»**. تهران: اقبال.
- [بی‌نا]. (۲۵۳۵). **نظر جراید و مجلات خارجی درباره‌ی اعلیحضرت رضاشاه کبیر**. به کوشش وزارت امور خارجه. اداره‌ی انتشارات مدارک.
- نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). **تاریخ شهریاری شاهنشاه رضا شاه پهلوی از ۳ اسفند ماه ۱۲۹۹ تا ۲۴ شهریور ماه ۱۳۲۰**. تهران: شورای مرکزی جشن‌های بنیادگذاری شاهنشاهی ایران.

